

صاحب امتیاز: بسیج دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
مدیر مسئول: علی نوابی | سردبیر: علی اصغر بهشتی
هیئت تحریریه: امیر محمد اشتری - سید علی رضا خادم - محمد رضا قهرمانی -
امیر مهدی نامور - عطیه شفیعی زاده - زهرا مددی
ویراستاران: محمد رضا طهماسبی - زینب اینانلو - زهرا سادات هاشمی نسب

آنچه در خط ۵۷ می خوانید:

جنگ در بستر رسانه

... صفحه ۲

از آزادی بگو

... صفحه ۳

کتاب انسان ۲۵ ساله

... صفحه ۴

روشنفکری سیاسی (اندیشمندان معاصر)

... صفحه ۶

سرمقاله

زهرا مددی

کارشناسی علوم سیاسی

جنگ در بستر رسانه

برگردیم به عصری که از تکنولوژی جز تلویزیون، تلفن عمومی، دکه های روزنامه فروشی، اعلامیه ها که یا چاپی بود یا دست نویس، چیزی نبود. البته تو کوچه های حلقه ی سبزی پاک کردن بود که یک سری اطلاعات مخوف رد و بدل میشد که از صدا تا سند و مدرک هم باور پذیر تر و مورد اعتماد تر بود.

ولیکن اطلاعات و اخبار با تاخیر به دست مردم میرسید و دسترسی داشتن به منابع معتبر کم و کشف حقیقت خبرها سخت بود از طرفی نبود سواد رسانه ای و بی آگاهی مردم پذیرفتن هر خبری دور از انتظار نبود.

در عصر حاضر علاوه بر تلویزیون، تلفن و صحبت های کوچه و بازار، ماهواره ها رایانه ها پدیده ای به اسم موبایل به وجود آمد، که این روزها کمتر کسی پیدا میشود که آن را نداشته باشد از جوان و پیر بگیر تا کودکی که خواندن نوشتن نمی داند.

ادامه در صفحه بعد

یکشنبه ۸ آبان ۱۴۰۱ دانشگاه علامه طباطبائی

بعد از حدود یک ماه تشنج و تنش در دانشگاه قرار بر این شد

روزیکشنبه پس از نماز ظهر و عصر دسته عزاداری به یاد

شهدای شاهچراغ از مسجد دانشگاه به سمت مقبره شهدا

داشته باشیم که به نظرم ایده ی خوبی بود چون کمترین

فایده اش این بود که متوجه شدیم دانشگاه تک صدا نیست

... صفحه ۵



جنگ در بستر رسانه

زهرا مددی
کارشناسی علوم سیاسی

ماجرای #مهسا امینی و بعد اعتراضات و اغتشاشات بازتاب نمونه جنگ رسانه ای است. در جنگ رسانه ای رقابت آنچنان زیاد است که برای ساخت محتوا ها میروند سراغ محتواهایی که به قول معروف راحت الحلقوم تر باشند.

همین امر باعث میشود مخاطب روز به روز تشنه اطلاعات و اخبار شود که با ذائقه اش جور در می آید طبیعی است میدانند ذائقه مخاطبشان چیست و چگونه باید احساساتشان را برانگیزند.

و مدام محتوا به خورد مخاطب میدهد به گونه ای که ذهن مخاطب بهم میریزد و قابلیت فکر کردن و تشخیص واقعیت و دروغ را از او سلب میکند.

و این دقیقاً همان انقلاب رسانه ای است که همه در جنگی حاضر هستند که در جبهه های خانه شان نشسته اند و در فضای مجازی انقلاب میکنند.

لذا، در جنگ رسانه ای کم گذاشته ایم. نه میدانیم کدام محتوا را برای خودمان انتخاب کنیم و نشر بدسیم و یا اصلاً میدانیم چه محتوایی تولید کنیم انقدر ول است و بدون هیچ سوادى که زمینه را به راحتی برای دسترسی راحت دشمن فراهم میکند. که باز هم بر می گردیم به سخن مقام معظم رهبری که در این باب فرمودند: { دشمنان از فضای مجازی حداکثر استفاده را می کنند. متأسفانه در فضای مجازی کشور ما آن رعایت های لازم با وجود آنهمه تأکیدی که داشته ام، صورت نمی گیرد و در یک جهاتی واقعاً «ول» است. باید کسانی که مسئول هستند حواسشان باشد. }

سنگر رسانه این روزها یا خالیست یا درگیر حاشیه ها و مابقی یک تنه در میان سیل بمب باران، ترکش میخورند و ادامه میدهند. و مدام یک عده مجروح ذهنی که تحت تأثیر رسانه قرار گرفته است مواجه میشویم.

ولیکن راه حل ساده است کافیت دهنمان را از چنبره رسانه ها نجات دهیم و اندکی تامل کنیم.

میخواهند و یا چیزی که این فضای مجازی از آن ها میخواهد. انقدر این پدیده ریشه دار شد که شدیم بازیچه دست رسانه ها، برای مثال همین که وارد پیام رسان اینستاگرام می شویم با انبوهی از پیام ها و اطلاعات و تصاویر رو به رو میشویم که گویا جنگی بر پا است میان هیچ و همه کس. خبرهای فیک و تقطیع شده و یا تحریف شده که هیچ منبع معتبری ندارد و صرفاً یک مشت محتوای پوچی است که مشغولیت های ذهنی اش برای مخاطب میماند.

در این فضا یا منفعل هستیم و تماشاگر یا فعال و در مسیر ساخت محتوا های مفید یا به درد نخور. وقتی جمعی از مردم احساس کنند که دیدگاه ان ها از نظر فراوانی در اقلیت است سکوت را ترجیح میدهند و از آن طرف آنهايي که منفعل هستند یا نظری ندارند در شبی که رسانه برایشان تعریف کرده می افتند اینطور میشود که الان شاهد آن هستیم هر شب در اینستاگرام یک نفر میمیرد آن یکی طرف مقابل را لت و پار میکند، رژیم عوض میشود کشور سقوط میکند و هر روز قیامتی صورت میگیرد در حالی که در دنیای واقعی چیز دیگری میبینید.

به هر حال با هر نقشی در این فضا به یک سری از وقایع و اتفاقات که صرفاً در فضای مجازی اتفاق افتاده است و هیچ نمود خارجی ندارد دامن میزنیم. لذا وارد جنگی میشویم که با دنیای حقیقی انسان ها کیلومتر ها فاصله دارد. تا به حال از خودتان پرسیده اید که چقدر منبع خبر ها و محتواهای که در فضای مجازی اعم از اینستاگرام میخوانید درست است و اصلاً این محتوا ها از کجا آمده اند؟

یک عده آمده اند و رسانه را در دست گرفته اند و جریان ساز اتفاقاتی هستند که مدام پیاز داغش را زیاد میکند. بزرگ نمایی و کوچک نمایی وقایع گسترش نشر اکاذیب خبر های فیک و حتی مخاطبان فیک که هیچ وجود خارجی ندارند اما در صدد نشر محتوا هایی هستند که قصدشان جز آلوده کردن فضا و ذهن مخاطب چیز دیگری نیست.

همه اطلاعات و اخبار در همین موبایل که اندازه کف دست ما هست جا گرفته. کافیت انگشت مبارکمان را حرکت دهیم و وارد هر سایت و پیام رسانی که میخواهید بشوید اینجاست که با دریایی از اطلاعات و خبرها مواجه می شویم. که در کسری از ثانیه به روز ترین خبرها را دریافت میکنیم، اینکه در آن طرف کره زمین چه اتفاقی می افتد و یا رئیس جمهور فلان کشور چه کار میکند و حتی ریز تر، خبر شهروندی در شهر فونافوتی در کشور تووالو که حتی اسمش را ننشیده ایم را می خوانیم.

وارد دنیای دیگری شدیم... به تدریج وارد یک فضای متفاوت از دنیای واقعی مان شدیم در واقع وارد یک فضای مجازی شدیم.

راستش را بخواهید هیچ پیش زمینه و آموزش کافی برای مخاطبان فضای مجازی ارائه داده نشد.

تمام قشر جامعه با عضویت در پیام رسان های خارجی اعم از وایبر، فیسبوک، تا الان تلگرام و اینستاگرام و تویتر که هر کدام هویتی ساختن بر مبنای چیزی که





امیر محمد اشتری
کارشناسی علوم سیاسی

از آزادی بگو

از چادرهای خونین شهدای شاهچراغ تا شکنجه های منافقین و شهادت طلبه جوان و شهادهای نیروهای امنیت شکستن سلف و بی حرمتی های ساحت دانشگاه اینها گوشه ای از خبر های دو هفته گذشته است که در ایران اتفاق افتاده خبرهایی که ناراحت کننده و پر از دل نگرانی است که باعث جریحه دار شدن روح ملت ایرانی اسلامی شده. این روزها زیاد شنیده ایم عده ای تعاریف مختلفی از آزادی در منظر این به ظاهر معترضین ارائه می دهند یکی از آنها برهنگی را آزادی معنا میکند و دیگری در پی تکذیب آن است و اما خود این معترضین این را حقی میدانند که چهل و اندی سال از مردم سلب شده است.

اما سوال اصلی این است آزادی از منظر شما به چه معناست؟ و از چه چیزی آزاد می شوید؟

آیا مطالبه شما فقط پوشش است؟ آیا حد حدودی برای آزادی بیان بین خودتان تعریف کرده اید؟ همان آزادی که سعی دارید با توهین تحقیر به مخالفان خود صدای آنها را خاموش کنید اگرچه آن مخالف روزی در میان خودتان بوده است منطق شما سرکوب مخالفین است حتی اگر با استدلال با شما سخن بگویند. احترام و ادب حلقه های مفقوده شده گفتمان شما است.

آیا تعریف شما از آزادی بیان این است که همه افراد حرف شما را بزنند و هم کلام و هم نظر شما باشند مگر شما مدعی این نیستید که حکومت صدای هایی که با خودشان ناسازگار است را خاموش میکند و شما به این حرکت اعتراض دارید پس شما با چه چیزی مبارزه میکنید پس دعوی زرگری شما فقط سر شهوت قدرت است. حال بیاییم از تعریف آزادی بیان بگذریم.

آزادی سیاسی چه؟ آزادی سیاسی را چگونه توصیف می کنید اصلا به اینها فکر کرده اید آیا اصلا به چیزی فکر کرده اید و آمده اید وسط خیابان و خود را داعیان به حق مردم دانسته اید و تقریبا دوماه است که کشور را به آشوب کشیده اید و آرامش زندگی مردم را مختل کرده اید و همین کار شما فرصتی برای آشوبگران خارجی شده انانی که به بهانه همین آشوب ها با لباس رنگین و حرکت سر خودکاری تحریم ها را علیه کشورمان بیشتر کرده اند چه حرمه صفتانی که جان پاسبانان و مردم کشورمان را گرفته اند و به خاطر شهوت آزادیتان، زندگی عده ای از زنان کشور را گرفتید و آرتین های زیادی را تحویل دادید. شمایی که برای دین و عقاید دیگران ارزش قائل نیستید و بسیجیان و محافظان شهر را غریبانه به شهادت می رسانید دیگر حرف از زندگی نزنید.

آیا شعاری را که الگوی خود قرار داده اید می دانید برای اولین بار کسانی گفتند که زن، زندگی، آزادی را از خیلی ها گرفتند. و یک پارادوکس رفتاری شما این است که شما خود را حامیان زنان کشورمان میدانید ولی رکیک ترین فحش های جنسی زن ستیزانه را سر میدهید و شما کلمه آزادی را پوششی برای لذت هایتان کرده اید و مشکلات جامعه را پتکی برای ضربه زدن به منتقدان خود کرده اید.

اینها تنها گوشه ای از پارادوکس ها و اتفاقاتی بود که در کشورمان افتاده است و تمام زندگی مردم را مشغول خود کرده است حال امیدوارم لحظه ای دست از رفتارهای پارادوکس آمیز خود بردارید و ببینید واقعا با خودتان چند چند هستید و واقعا به دنبال چه هستید.

سید علیرضا خادم
کارشناسی علوم سیاسی

کتاب انسان ۲۵ ساله

این کتاب با محوریت سخنان حضرت آقا که با نام (استاد مبارز) در این کتاب یاد شده است.

و با موضوع مبارزه سیاسی ائمه از زمان پیامبر اکرم تا امام حسن عسکری که پدر منجی عالم حضرت صاحب الزمان است یعنی زمان حال شامل این سیره سیاسی میشود.

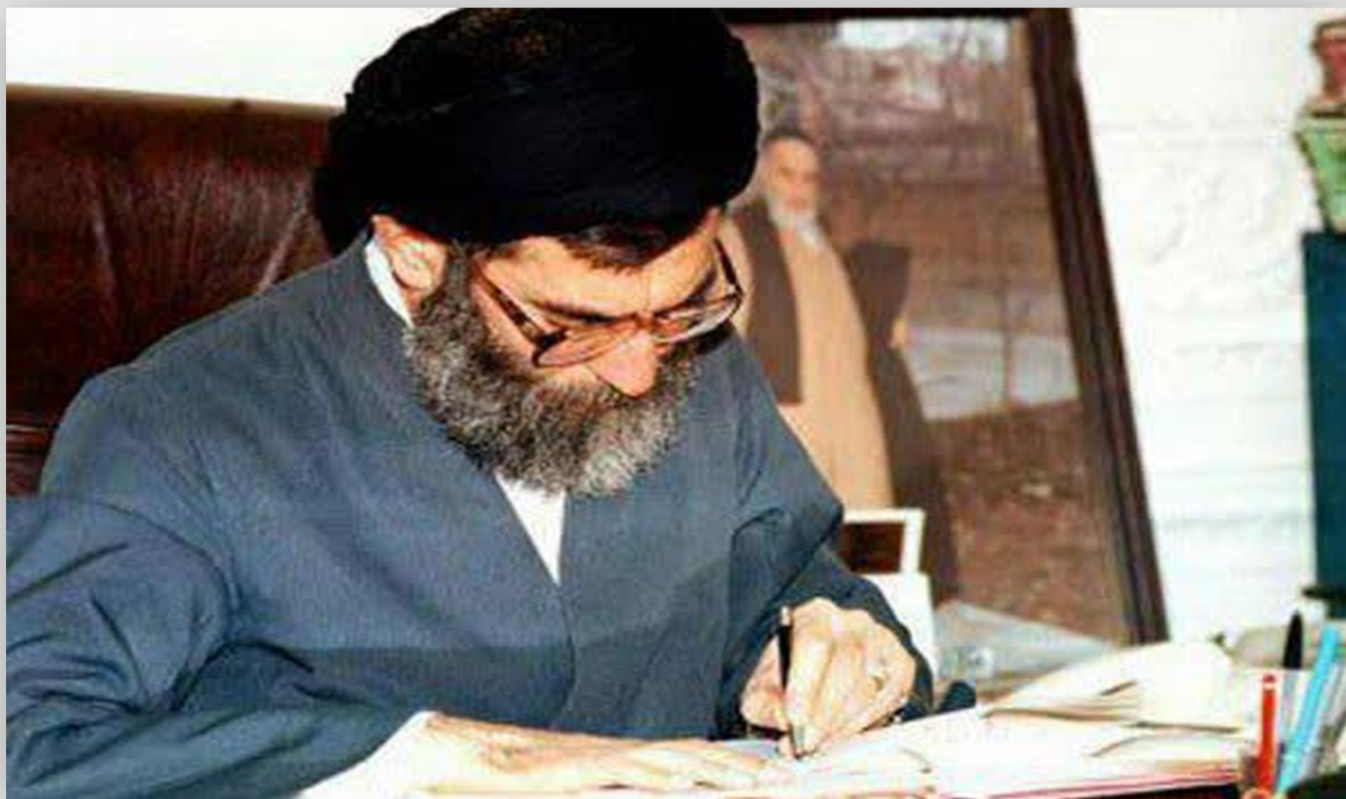
سر آغاز این حرکت (انسان ۲۵۰ ساله) در سال ۱۳۵۰ در زندان به ذهن استاد مبارز حضرت آیت الله خامنه ای می رسد و اولین بار ایشان در کنگره جهانی امام رضا در سال ۶۵ در مشهد مقدس درباره عنصر جهاد و مبارزه سیاسی در زندگی ائمه و عنوان کلیدی (انسان ۲۵۰ ساله) نام می برد.

استاد مبارز در این کتاب اشاره ای به سیاسی بودن زندگی ائمه و به دنبال تشکیل حکومت اسلامی و به تعبیر ما (حکومت علوی) که مهم ترین اقدامات ائمه بر این محور بوده است، توصیه ایشان در این کتاب به ما این است که زندگی ائمه را باید به عنوان درس و اسوه فرا بگیریم نه به عنوان خاطره های ارزاننده و شکوهمند بلکه فراگیری و توجه به روش و منش سیاسی ایشان است. برخی از بخش های کتاب هدف های مهم ائمه است اعم از ۱- تبیین درست اسلام همان (رد تحریف های نویسندگان حکومتی از طرف ائمه) ۲- تفسیر حقیقی قرآن ۳- افشای گری تحریف ها و افشای گری تحریف کنندگان که اقدامات هر معصوم در این باره را در فصل خود ایشان تشریح می کنند...

در بخشی از کتاب اشاره میشود به مبارزه با تحریف معارف اسلامی در دوران امام باقر (ع) {مقصود از مبارزه با تحریف این است که دین مقدس اسلام اساساً با معارف و احکامی که دارد و با آیات قرآن برای جامعه اسلامی یک خصوصیتی را و شرايطی را مقرر کرده بلکه برای دنیای انسانی و زندگی بشر که اگر مردمی معارف را بدانند و به آن پایبند باشند ممکن نیست در جامعه ای که به نام اسلامی وجود دارد بعضی چیزها را تحمل کنند مثلاً حکومت ستمگران را، یا حکومت فساق و فجار را، یا حکومت از دین بی خبر ها را تحمل نمی کنند تبعیض ها را بی عدالتی را تحمل نمی کنند این فساد ها که در برخی جوامع اسلامی هست با احکام اسلامی و با نظام اسلامی سازگار نیست.}

از اقداماتی که می توان گفت همه این بزرگواران انجام دادند این بود که احادیثی از زبان علمایی در تمام نقاط گفته می شد اما تفسیر و تبیین درست اسلام در همه امور و شئون جامعه اسلامی بیان نمی شود و ائمه می خواستند جلوی آن را بگیرند. و دیگری اقدام به تبیین مسئله امامت همان زمامداری جامعه اسلامی است.

در مضمون موضوع این کتاب می توان گفت توصیه های حضرت آقا به جوانان مومن انقلابی مطالعه زندگی سیاسی ائمه و پیروی از ایشان، تشکیل و استوار نگه داشتن حکومت اسلامی (حکومت علوی) است.



محمد رضا قهرمانی
کارشناسی علوم سیاسی

یکشنبه ۸ آبان ۱۴۰۱ دانشگاه علامه طباطبائی

کم کم جمعیت متفرق شد و به کلاس ها برگشتیم دقیقی نگذشته بود که صدای اعتراض بعضی ها شنیده شد. ولی این بار صدایشان کم تر بود و حتی تأثیر کمتری داشت چون در مقابل آن جمعیت انبوه چیزی نبود.

معترضین در دانشگاه چرخیدند اما جمعیت زیادی جذب نشد در آخر هم جلوی دانشکده روانشناسی جمع شدند و رئیس دانشگاه به میانشان رفت و از نزدیک صحبت کردند بعضی ها ماندند و به صحبت گوش کردند اما بعضی ها رفتند و در آخر تعدادشان کمتر از ۵۰ نفر شد. یکشنبه احساس کردم که انقلاب واقعا تنها نیست و بسیاری از بچه ها مدافع آن هستند. البته کم و کاستی هایی هست که باید رفع شود اما می توان گفت اصل انقلاب در دانشگاه ما طرفداران زیادی داشته، دارد و خواهد داشت.



حتی دیدم که بعضی از معترضین می آمدند به بسیجی ها توهین می کردند و در مواردی دست بلند می کردند اما بچه های بسیج سکوت می کردند و دعوت به گفتگو البته این جا باید گفت این مورد درباره ی همه معترضین صدق نمی کند چون دیدم که بعضی ها واقعا دنبال گفتگو بودند و هستند...

سپس در بندی خوانده شد که پرسش اساسی از دانشجویان این است که «آینده ایران» بعد از «جمهوری اسلامی» چیست؟ چالشی که هیچ گاه وارد آن نمی شوند زیرا فاقد هرگونه طرح سیاسی هستند و فقط به دنبال آشوب و هرج و مرج اند. در این مورد هم بنده با چند تن از معترضین صحبت کردم و واقعا پاسخی نداشتند.

در آخر هم چنین بیان شد که ما دانشجویان انقلابی دانشگاه علامه طباطبائی با صدایی رسا اعلام می کنیم: -اولاً جمهوری اسلامی هر چه سریع تر دستگاه تروریست رسانه ای نظام سلطه را متوقف کند. همانطور که آشوب داخلی مکمل جنایت تروریستی است؛ محافظه کاری مسئولین جمهوری اسلامی در مقابله با بازیگران اصلی این آشوب ها، روی دیگر ماجراست. یقیناً محافظه کاری مسئولین در مجازات عاملان ترور سپهبد حاج قاسم سلیمانی، دشمنان جمهوری اسلامی را وقیح تر و جری تر کرده نانی از همه ی دانشجویان آزاده دعوت می کنیم که صحنه سیاسی کشور را خودشان تحلیل کنند.

اجازه ندهند بازنمایی غیرواقعی رسانه های تروریست دغل کار به جای آنها تحلیل گر وقایع باشد و بیانیه در میانه تکبیر های بلند بچه ها تمام شد. به نظرم بیانیه قوی بود البته در برخی موارد کمی تند بود که می شد بهتر بیان شود چون بسیاری از معترضین واقعا ته دلشان دوست ندارند باعث هرج و مرج و آشوب در دانشگاه شوند اما خب با موجی که برخی از افراد به پا می کنند همراه می شوند فکر میکنم که نباید همه آن ها را به یک چشم دید و باید بین افراد فرق بگذاریم.

بعد از حدود یک ماه تشنج و تنش در دانشگاه قرار بر این شد روز یکشنبه پس از نماز ظهر و عصر دسته عزاداری به یاد شهدای شاهچراغ از مسجد دانشگاه به سمت مقبره شهدا داشته باشیم که به نظرم ایده ی خوبی بود چون کمترین فایده اش این بود که متوجه شدیم دانشگاه تک صدا نیست و حتی میتوان گفت صدای انقلاب اسلامی بلند ترین صدا در دانشگاه است و همچنین مایه دلگرمی و قوت قلب ما شد.

با فرارسیدن موعد مقرر به همت بسیج آرام آرام جمع شدیم و به سمت مقبره راه افتادیم. شروع به سینه زنی و مداحی کردیم تا به مقبره رسیدیم و در کنار شهدا عزاداری را ادامه دادیم.

در این حال عده ای از دانشجویان معترض در نزدیکی ما روی زمین نشسته و ساکت بودند که تعدادشان تقریباً یک پنجم ما می شد. پس از اتمام مداحی و عزاداری رئیس دانشگاه شروع به صحبت برای دانشجویان کرد که البته در میان صحبت های آقای معتمدی صداهایی از معترضین به گوش می رسید اما در انبوه جمعیت عذار گم می شد. سپس یکی از دانشجویان بسیجی بالا رفت و بیانیه ای با این مضمون خواند که دانشگاه همواره محل گفت و گوی منطقی و تولد ایده ها برای حل مسائل جامعه با راهکارهای علمی بوده است، اما عده ای قلیل در هفته های اخیر دانشگاه های کشور را محل مطالبات سخیف و دور از ساحت دانشجو خواسته اند در این هنگام صدای تکبیر بچه ها بلند شد و جایی برای شنیده شدن هو کشیدن معترضین باقی نگذاشت.

در ادامه گفته شد که دانشجویان انقلابی دانشگاه علامه، بارها در این ایام سعی بر باز کردن باب گفت و گو کرده اند اما طرف مقابل با امتناع از این امر قصد ادامه دادن بی نظمی در صحن دانشگاه را داشته است. در این مورد بنده خود در این حضور یک ماهه در دانشگاه به وضوح حس کردم.

روشنایی فکری سیاسی (اندیشمندان معاصر)

مصاحبه با دکتر شریف لک زایی

شخصیت و اندیشه های ایت الله بهشتی و اثر گذاری ایشان در انقلاب اسلامی شهید بهشتی، معمار انقلاب اسلامی و تشکلات جمهوری اسلامی است؛ و از نظر عملیاتی نقش مهمی را در ساز و کار ساختار فعلی جمهوری اسلامی دارد؛ به ویژه در قالب قانون اساسی که ایشان نقش مطرحی ایفا کردند، و فضای فکری شان در راستای قانون اساسی جریان دارد.

چند ویژگی بارز شهید بهشتی:

۱- عمیق نگری شهید بهشتی، ابعاد مختلف یک موضوع را در نظر می‌گرفتند، و همه سونگری ایشان کمک شایانی به انقلاب و بخصوص تدوین قانون اساسی کرده است.

۲- گذشته از پیشینه فکری شهید، ایشان تجربیات مهم و قابل توجهی دارند. ایت الله بهشتی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نقض های فعالیت فکری و فرهنگی و اجتماعی گروه های مذهبی پی بردند که آن را نبود تشکلات و تشکیلات می دانستند و این مسئله مورد توجه ایشان بود. و همچنین می بینیم بعد از کودتای ۲۸ مرداد و بخصوص بعد از نهضت ملی شدن نفت و شکل گرفتن دغدغه های سیاسی و اجتماعی؛ ایشان به سمت جذب و تربیت نیرو رفته اند. در همان ایام ۲،۳ دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تجربه تاسیس مدارس و تربیت دانش آموزها و حضور در مجامع خارج از کشور را دارند و تجربه بین المللی در عرصه دین ورزی به دست آوردند.

شهید بهشتی بعد از انقلاب اسلامی یکی از مهمترین نهادهای غیر رسمی را تشکیل می دهد به نام (حزب جمهوری اسلامی) که حتی بعد از شهادت ایشان هم همواره به فعالیت خود ادامه می دهد و ساختارهای قدرت و پست های سیاسی را از آن خود می کند.

می توان گفت: حزب جمهوری اسلامی و ساختار های آن نتیجه تجربه ی این شهید بزرگوار است.

در چه شرایطی باید انقلاب اتفاق بیفتد؟

آیا بدون داشتن خط فکری و فرهنگی می توان انقلاب کرد؟

شهید بهشتی در رابطه با این سوال پاسخ روشن و واضحی ارائه نکرده اند؛ اما از نوشته های ایشان می توان این را دریافت کرد: [انقلاب اسلامی زود اتفاق افتاد، اگر چند سال دیگر مبارزات و نیرو سازی بود بعد از فضای انقلاب ظرفیت بیشتری داشتیم که انقلاب را پیش ببریم ما در این عرصه متفکران زیادی را از دست دادیم. شعار اصلی انقلاب اسلامی آزادی بود، آیا محقق شد؟

پاسخ شهید بهشتی به این سوال منفی بود.

ایشان فرمودند: (خیر آزادی لوازمی دارد، این الزامات باید تحقق پیدا کند؛ یکی از آنها قانون است.

اگر بخواهد آزادی اتفاق بیافتد چه کنیم؟ شهید بهشتی فرمودند: راه حفظ آزادی، حاکمیت قانون است. (کتاب مجموعه مناظرات ایشان جلسه پنجم) تا به امروز مادرگیر حاکمیت قانون بودیم و هستیم، که متأسفانه در مرحله عمل و اجرا تحقق پیدا نکرده است. باید بکوشیم همه ابعاد آزادی را با هم اجرا کنیم؛ آزادی اخلاقی، معنوی و فضیلتی؛ آزادی اجتماعی، آزادی اقتصادی و آزادی از بند استثمار باید تامین شود اگر یک انقلاب بخواهد موفق باشد عنصر اصلی آن مباحث فکری و فرهنگی است.

شهید بهشتی چهار مرحله برای انقلاب موفق ذکر می کنند:

انقلاب، باید با انقلاب فرهنگی آغاز شود؛ مانند انقلاب اسلامی، که پایه اصلی آن مذهب بود.

ثانیاً؛ انقلاب فرهنگی وقتی موفق شد، یک نیروی براننده نظام طاغوتی را بسیج می کند، تا آن نظام طاغوتی را بر اندازد، و خود حاکم شود، که این همان انقلاب سیاسی است.

ثالثاً، در تغییر روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باید همواره مراقب باشند که هر مرحله جلو می رود باز هم اول رشد فرهنگی باشد.

اولویت فرهنگ است، پست و مقام اهمیت چندانی ندارد. در آخر، هر تغییر سیاسی و اقتصادی نو، در خط رشد، زمینه را برای رشد فرهنگی و آگاهی فراهم می کند.

چگونه آزادی نهادی بشود؟

در لغت نهادی یعنی، آزادی به عرف رایجی تبدیل بشود، و تفکر ما راجع به آزادی، اجتماعی شود.

تفکر شهید بهشتی، بر مبنای فرمایشات امام علی (علیه السلام) و بزرگان دین است.

یک وجه آن، نوع رابطه حکومت و مردم است که قالب سخنان امام علی (ع) در این باب هست و شهید بهشتی آن را به خوبی بازتاب کرده اند و به این معناست که رابطه بین مردم و حکومت باید درست شکل بگیرد.

یک نکته مهم از فرمایشات ایشان می توان برداشت کرد، این که مردم حق و عدالت را جدی بگیرند.

عدالت چگونه باید تحقق پیدا کند؟ چگونه باید مشکل را پیدا و برطرف کنیم؟ مسئول اجرای عدالت خود ما هستیم.

بنابراین آزادی و حقوق مردم هم از این مستثنا نیست فیلسوفی فرمودند:

حقوق، بال های برنده ی قدرتمندی هست، که تصمیم گیری های معمول سیاست را محدود می کند و به خاطر این ارزشمند است. اگر آزادی فردی را در نظر بگیریم زمانی گسترش پیدا می کند که، دو قید آن اجرا شود.

یکی از آنها در اندیشه لیبرالیسم ذکر شده: آزادی من، به آزادی دیگران لطمه نزند و کسی را محدود نکند.

دوم؛ آزادی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در بیاید.

چگونه آزادی را به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه گسترش دهیم؟

آزادی به لحاظ درونی، خواسته فطری ماست و ما از لحاظ فطری به سمت آزادی کشیده می شویم؛ در واقع آزادی باید به نقطه قابل اتکای اجتماعی تبدیل بشود

ادامه صفحه قبل: روشنائی فکری سیاسی (اندیشمندان معاصر)

عطیه شفیعی زاده
کارشناسی علوم سیاسی

وقتی حکومت پهلوی را با کمک امام خمینی و اقشار مختلف و رانداختیم، شعار اصلی ما آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی، بود. آزادی یک امر درونی است؛ ولی استقلال مربوط به جامعه است، اینکه ملت خودشان برای تصمیمات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... کشور تصمیم بگیرند آزادی کانون اصلی مباحث شهید بهشتی است.

ایشان فرمودند: شاید من کمترین بحثی داشته باشم که در آن به آزادی و عدالت متکی نکرده باشم.

از نظر شهید بهشتی، آزادی؛ بزرگترین ویژگی چشمگیر جهان اسلامی است.

شهید بهشتی در یکی از کتاب های خود فرمودند: آزادی؛ به معنای بریدن هوای نفس است.

بله آزادی چند بعد دارد که یکی از آنها کنترل و خودسازی نفس است.

شاید منظور ایشان از آزادی در شعار انقلاب اسلامی به همین معنا بوده.

بله؛ ولی معنای آزادی، در زمان و حاکمیت مختلف تغییر پیدا می کند.

از نظری تسلط انسان بر ساختن خویش، آزادی است مفهوم این سخن شهید بهشتی این است که، انسان از ساختن خودش و جامعه خویش آزادی پیدا می کند.

برخی از متفکران معتقدند یا عدالت اجرا می شود یا آزادی؛ این دو با هم نمی توانند محقق شوند.

نظر شهید بهشتی در رابطه با این سخن چیست؟

ایشان آزادی را پررنگ تراز عدالت می داند و معتقدند سایر مطالب از آن سرچشمه می گیرد.

انسان آزاد باشد؛ یعنی اگر شما بخواهید یک فعالیت فرهنگی، سیاسی و ... کنید باید آزاد باشید که به آن عدالت برسید.

آزادی وسیله ای است برای رسیدن به چیزهای دیگرمانند: نهالی که برای رشد خودش به یکسری ملزومات نیاز دارد، شما برای رسیدن به جامعه ی خوب به آزادی نیاز دارید بشر، امروزه آزادی را به معنای رهایی از قید و بند و قدرت بر انجام آنچه می خواهید، می دانند؛ نظر او، انسانی آزاد است که بتواند به نیازهای مادی خودش برسد شهید بهشتی آن را نقد می کند؛ زیرا در همان لحظه که انسان خود را به بند کشید تا به تمام خواسته های خود که غالباً مادی و شخصی است پاسخ دهد، خود را بنده اطاعت از خواسته ها و تمایلاتش کرده است.

در نهایت آزادی ملزم به قانون، آگاهی و بصیرت دارد و گرنه مفهوم آزادی به انحراف کشیده میشود نگاه شهید بهشتی این است که آزادی یک قدرتی به ما میدهد تا خواسته های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... خود را به کرسی عمل بنشانیم.

حرف آخر؛



صفحه توپیت

رضا یزدان پرست
@yazdanparast313

این دو استوری اکانت اینستاگرامی تروپرستی قیام ایذه را بارها و بارها توپیت و منشن کنید! چون خیلی خوب ذات کتیف تروپرست ها را نشون میده!

گفت به جمهوری اسلامی
@1500tasvir

کیان پیر فلک

کاکا ناموسن الان دو تا موتور دو ترک ویدین سر فلکه رگبار گرفتن به مامورا

علیرضا وهابزاده
@yahabzadeh_ali

سلبریتی ها چرا برای کودکان حمله به شاهچراغ پست و استوری نداشتید؟! مگه نگفتید اونم کار خودشونه؟! چرا؟ چون مطمئن بودید واقعا کار داعش بود اما به صرف نبود اعتراف کنید! چون نمیخواید مردم بفهمن این دیگه اعتراض نیست و دشمن دنبال سوریه سازی و تکه پاره کردن ایران هست...

دانش آموز پایه دوم دانش آموز پایه پنجم دانش آموز پایه دهم
علی اصغر لری کوینی آرشام سربازاران محمدرضا کشاورز
شهادی مظلوم دانش آموز اقدام تروپرست در حرم مطهر شاهچراغ

عیار
@ayyaaaar

مشخصه یه عده سعی دارن از خون کیان در پروژه #ققنوس بهره ببرن یا بیشتر اون مصرع رو زرد و بزرگ کنن؟

تو پست خودت رو زرد کنی و یه تیتر بزرگ کنی و یه تیتر بزرگ کنی و یه تیتر بزرگ کنی...
با حمایت تامنند و آثار فرزان در گذشته توکل فرزند دادلند، همزمان و دشمنی آشکار خط

Twitter for Android u00B7 ۲۲ نوامبر ۱۸۰ ب.ظ. ۳:۲۵

Mahdi Mahdavi
@mahdi68x

تو کشور اسلامی باید از نمازگزاران محافظت بشه که اتفاق بدی نیافته!

«در جمهوری اسلامی همه آزادند بجز حزب اللهی ها»

ایذه_ خونین #

Twitter for Android u00B7 ۲۲ نوامبر ۱۷۰ ق.ظ. ۱۰:۲۵

جنتلی
@j1nne

تروپرستای ایذه که ساعتی قبل از عملیاتشون با کلاشینکف و کلت به سمت دوربینای مداربسته شلیک میکنن و دو دوربین رو از کار میندازن تا موقع عملیات کتیفشون فیلمی ازشون نباشه

۳:۰۲ بازدید

Twitter for iPhone u00B7 ۲۲ نوامبر ۱۸۰ ب.ظ. ۱:۰۹

MASROUR
@xmasrou

-اصفهان ۵ نفر مرده همشون پلیسن
-کار کیه : اووووف مردم مسلح قیام کننده
-ایذه ۵ نفر مردن ۴ تا پلیسه کار کیه ؟
اووووف مردم مسلح
اون یکی بچس
دیدي گفتم #کار خودشونه

انقلاب_ شل مغزان #

Twitter for Android u00B7 ۲۲ نوامبر ۱۷۰ ب.ظ. ۳:۲۷



خاتمه

نسخه الکترونیک نشریه خط پنجاه و هفت را از کانال تلگرام زیر بخوانید:

Ad_khate57

انتقادات، پیشنهادات، ارتباط مستقیم با سردبیر:

Ad_khat57

آدرس صفحه مجازی نشریه در اینستاگرام:

khat_atu

آدرس صفحه مجازی نشریه در بله:

khat_atu
